

قواعد فقه حکومتی؛ آیت الله خاتمی مطرح کرد/ جلسه ۴۹

بررسی طائفه پنجم و ششم از روایات حرمت اضرار به نفس

وسائل - آیت الله خاتمی پس از بیان شش طائفه از روایات گفت: آن چیزی که قدر مسلم است خودکشی و شبیه آن که ضرر کلان محسوب می شود حرام است؛ اما پائین تر از این هر چند به عنوان حکمت حرمت برخی چیزی ها بیان شده است ولی حکمت است، علت نیست لذا نمی شود از آن حرمت مطلق اضرار به نفس را اثبات کرد.

به گزارش خبرنگار سرویس مبانی پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل، آیت الله سیداحمد خاتمی، عضو شورای عالی حوزه های علمیه کشور و استاد درس خارج حوزه علمیه قم، ۱۲ دی ماه ۱۳۹۵ در جلسه چهل و نهم درس خارج حکومتی فقه، طائفه پنجم و ششم از روایاتی که حرمت اضرار به نفس را اثبات می کنند، مورد بررسی قرار داد.

خلاصه درس گذشته

آیت الله خاتمی در پاسخ به نقدهای چهارگانه محقق خوئی به استدلال روایت حرمت اکل میت، برای اثبات حرمت اضرار به نفس گفت: اولاً ضرر حکمت است علت نیست؛ ثانیاً ما علم به همه ضررهای مادی نداریم؛ ثالثاً ضرر محدود به ضرر مادی نیست بلکه ضرر معنوی را هم شامل می شود و رابعاً مراد از ضرر، ضرر کلان است نه ضرر کم.

خلاصه درس حاضر

آیت الله خاتمی پس از بیان شش طائفه از روایات گفت: آن چیزی که قدر مسلم است خودکشی و شبیه آن که ضرر کلان محسوب می شود حرام است؛ اما پائین تر از این هر چند به عنوان حکمت حرمت برخی چیزی ها بیان شده است ولی حکمت است، علت نیست لذا نمی شود از آن حرمت مطلق اضرار به نفس را اثبات کرد.

تقریر درس

بسم الله الرحمن الرحيم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَأَجَابَ ثُمَّ عَادَ لِيَسْأَلَ عَنْ مِثْلِهَا فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكْتُوبٌ فِي الْأَنْجِيلِ لَا تَطْلُبُوا عِلْمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَ لَمَّا تَعْمَلُوا بِمَا عِلْمُكُمْ فَإِنَّ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يُعْمَلْ بِهِ لَمْ يَزِدْ صَاحِبَهُ إِلَّا كُفْرًا وَ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا. [۱] مردی خدمت امام سجاد علیه السلام آمد و سوالاتی پرسید آن حضرت جواب دادند دوباره برگشت

تا مانند سوال قبل بپرسد؛ امام فرمود هنوز به آنچه عمل نکردید به دنبال علم جدید نباشید. (معلوم می شود، سوالات عملی بوده است) وقتی به علم، عمل نشود سبب کفر و سبب دوری از خدای سبحان می شود.

ادله حرمت اضرار به نفس

آنچه مسلم است حرمت خود کشی است. به طوائفی از روایات استناد شد؛ طایفه اول حدیث لا ضرر ولا ضرار بود؛ طائفه ای گفت روزه ای که ضرر دارد نگیرید؛ طائفه سوم درباره این بود که اگر وضو ضرر دارد تیمم کنید و طائفه چهارم درباره خوردنی ها مضر بود. نوشتن این طایفه از روایت یک کتاب می شود چرا خون و طحال و ... حرام است روایت مفصلی وجود دارد که خوردن اینها را مضر دانسته است بنابراین معلوم می شود که اضرار به نفس حرام است؛ زیرا خداوند آنچه که برای بدن ضرر را حرام کرده است.

روایت تحف العقول

درباره حجیت کتاب، بحث وجود دارد؛ خود مولف (حسن بن علی شعبه) می گوید: چون روایات اخلاقی را آورده ام لذا اسناد را حذف کرده ام. وی معاصر شیخ صدوق بوده که بنای بر تدقیق سندی نداشته است. لذا روایتی که از این کتاب می آوریم برای موید است.

صاحب تحف العقول از امام صادق علیه السلام ضمن روایتی مفصل نقل می کند که امام فرمودند: وَ كُلُّ شَيْءٍ تَكُونُ فِيهِ الْمَضْرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ... [۲]

حسن بن شعبه خوردنی های حرام و حلال را بیان می کند تا اینجا می رسد که می گوید هر چیزی که برای بدن ضرر داشته باشد حرام است مگر در صورت ضرورت که اشکال ندارد.

روایات درباره خوردنی های مضر زیاد است و ما به همین روایت مذکور در این درس اکتفاء می کنیم.

الطائفة الخامسة

روایاتی که تشبیه می کند و می گوید همانطور که به خودت ضرر نمی زنی به همسایه هم ضرر نزنید. در این دسته از روایات حرمت ضرر به خود را مسلم گرفته شده است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مُضَارٍّ وَلَا آثِمٍ. [۳] همسایه مانند نفس است نباید ضرر زد و نباید گناهی در مورد آن داشت.

آنچیزی که به درد استدلال ما می خورد. ما یک مشبه داریم و یک مشبه به، داریم، کار ما با مشبه به که در روایت مسلم گرفته شده است. یعنی همان طور که نباید به خود ضرر زد به همسایه نیز نباید ضرر زد.

مراد از جار

جار یعنی همسایه؛ مرحوم خوئی روایت را اینگونه تفسیر کرده است: یا بنی، الجار ثم الدار؛ حضرت زهراء تا صبح برای همسایه ها دعا کردند؛ امام حسن پرسید چرا برای ما دعا نکردی؟ فرمود یا بنی الجار ثم الدار. [۴] مرحوم مجلسی در مرأه العقول روایت را طور دیگر معنا کرده است. «و قد مر فی باب إعطاء الأمان بیانه، و ظهر أن المراد بالجار من أعطى الأمان لا مجاور البيت.» [۵] علامه مجلسی جار را به معنای پناهنده گرفته است یعنی اگر به کسی پناه دادی و در خانه خود آوردی کسی حق تعرض به او ندارد؛ پیامبر خدا این حق را برای هر مسلمانی قرار داده است یعنی با تمام جان از او دفاع بکنید. البته اگر مجرم باشد حساب دیگری دارد.

معنایی که محقق خوئی برداشت کرده است معنای عرفی است؛ عرف از واژه «جار» همسایه را می فهمد. همانطور که به خود ضرر نمی زنی به همسایه هم ضرر نزن. البته همسایه به تفصیل روایات گاهی شامل یک شهر می شود. چهل خانه از چهار طرف همسایه محسوب می شود. معنای این روایات و امثال این روایت، روابط صمیمانه ی همسایگی است که یک بخش آن مشکلات معیشتی است. واژه غیر مضار سلبی است و شامل معنای ایجابی یعنی خوبی کردن نمی شود؛ زیرا خلاف ظاهر روایت است.

الطائفه السادسة

این دسته از روایات مضمونشان این است که هر چیزی که اسراف نباشد، اشکال ندارد. در گذشته برای تمییز کردن بدن، از ماده سفیدآب استفاده می کردند.

و عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُسْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَنِ تَغْلِبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّا لَنَسَافِرُ وَ لَا يَكُونُ مَعَنَا نَخَالَةٌ (سفیدآب) فَتَتَدَلَّكَ بِالْدَّقِيقِ (آرد) فَقَالَ لَا بَأْسَ إِنَّمَا الْفَسَادُ فِيمَا أَضَرَ بِالْبَدَنِ وَ أَتْلَفَ الْمَالَ فَأَمَّا مَا أَصْلَحَ الْبَدَنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ بِفَسَادٍ إِنِّي رَبَّمَا أَمَرْتُ غُلَامِي قُلْتُ لِي النَّقْيَ بِالزَّيْتِ فَاتَدَلَّكَ بِهِ. [۶] ابان بن تغلب می گوید به امام عرض کردم که گاهی برای استحمام مواد سفیدآب پیدا نمی شود آیا جایز است با آرد خود را بشوئیم؟ امام علیه السلام فرمود هر چیزی که برای بدن ضرر نداشته باشد جایز است و اسراف محسوب نمی شود. چیزی برای بدن لازم است اسراف محسوب نمی شود. بعد امام فرمودند: به غلام می گویم برای نرم کردن بدن از روغن زیتون استفاده کند.

از این روایت معلوم می شود ما اضر البدن اشکال دارد؛ همانطور که ما اتلف المال اشکال دارد.

ما شش طائفه از روایت را خواندیم و نتیجه این شد که آن چیزی که قدر مسلم است خودکشی و شبیه آن که ضرر کلان محسوب می شود حرام است؛ اما پائین تر از این هر چند به عنوان حکمت حرمت برخی چیزی ها بیان شده است ولی حکمت است، علت نیست لذا نمی شود از آن حرمت مطلق اضرار به نفس را اثبات کرد.

من الاجماع

چنین اجماعی در عبارت فقهاء نداریم؛ بر فرض هم که ادعای اجماع باشد، اجماع مدرکی است که ارزش حقوقی ندارد. بلکه هر کسی که حرمت اضرار به نفس را بیان کرده است به استناد آیات و روایات می باشد؛ بنابراین اجماع در این مساله کاشف از دلیل نیست.

دو واژه است که شیعه آن را از اهل سنت گرفته است.

واژه اجتهاد؛ ۲. واژه اجماع؛

واژه اجتهاد

بنیان گذار واژه اجتهاد اولاً و بالذات اهل سنت هستند. اما شیعه محتوای آن را عوض کرد؛ اجتهاد مراد اهل سنت، اعمال سلیقه و رأی بود که شیعه آن را طرد کرد و محتوای آن را به این مفهوم تغییر داد که عبارت است از:

«استفراق الوسع لتحصيل الشرعیه عن ادلتها التفصیلیه» تمام تلاش خود در فهم احکام شرعیه از ادله شرعی بهره بردن است.

واژه اجماع

اجماع از سقیفه پیدا شد؛ این حقیقت تاریخ است که کسی جز مولی علی، کسی سند «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» نداشت گفتند باید مبنائی داشته باشیم که آن عبارت است از اجماع؛ ابتدا گفتند اجماع اهل مدینه، بعد متوجه شدند که چنین اجماعی نیست لذا به اجماع اهل حلّ و عقد اکتفاء کردند. شیعه این قالب را گرفت محتوی را تغییر داد که اجماع زمانی حجت است که کاشف از دلیل معصوم باشد لذا اجماع در کنار کتاب و سنت شد یک دلیل مستقل؛ مرحوم شیخ اسدالله کاظمی تستری برای کاشفیت اجماع در کشف الغناء عن وجوه حجیت اجماع، دوازده روش بیان کرده است. شیخ انصاری و محقق آخوند سه راه را بیان کرده است که عبارتند از:

حس؛

حدس؛

قاعده لطف؛

از این سه راه مساله کاشفیت قول معصوم، به دست می آید. بنابراین برای اثبات حرمت اضرار به نفس از راه اجماع صحیح نیست.

دو بحث برای فردا که عبارتند از:

آیا از عقل دلیلی بر حرمت اضرار به نفس داریم یا خیر؟

آیا عملیات استشهادی برای ضربه زدن به دشمنان مبنا دارد یا خیر؟

این بحث در باب تترس آمده است. اگر دشمن مسلمانان را سپر قرار داد و راه برای پیروزی نیست مگر کشتن اینها آیا جایز است یا خیر؟ از القاء خصوصیت از مساله تترس، عملیات استشهادی را هم می توان استنباط کرد. ۹۰۲/ف

پاورقی

[۱]. الکافی؛ کلینی؛ (ط - الإسلامية)؛ ج ۱؛ ص ۴۴؛ ح ۴.

[۲]. تحف العقول؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، النص؛ ص ۳۳۷.

[۳]. وسائل الشیعة؛ شیخ حر عاملی، ج ۲۵؛ ص ۴۲۸؛ ح ۲.

[۴]. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصَّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ قَالَ: رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ ع قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا - فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ - وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ - وَ تَكْثُرُ الدَّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّهُ لِمَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْسِكِ كَمَا تَدْعُونَ لِغَيْرِكِ - فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ. وسائل الشیعة؛ شیخ حر عاملی، ج ۷؛ ص ۱۱۳

[۵]. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ مجلسی، ج ۱۹؛ ص ۳۹۴.

[۶]. وسائل الشیعة؛ شیخ حر عاملی، ج ۲؛ ص ۷۹؛ ح ۵.

مقرر: حسن حسینعلی